

از بابل تا لایبرسپیس

نوشته طلعت س. هالمان^۱

ترجمه عبدالله نجفی^۲

چکیده: در قرن بیست و یکم سبیرنتیک و اینترنت انقلابی پویا به جهانی عرضه خواهد کرد که احتمالاً لایبرنتیکس نام خواهد گرفت. انقلابی که ممکن است به منسوخ شدن کتابخانه‌ها بینجامد. در قرن آینده هر خانه، دفتر کار، یا هر فرد حقیقی عضو فعال کتابخانه کنگره جهانی یا کتابخانه بین‌المللی خواهد بود. ما در آستانه ورود به یک دوره طلایی هستیم که فرهنگ جهانی نام دارد. این دوره فرهنگ خاص را دارد این فرهنگ دارای تکنولوژی پیشرفته‌ای است که کتاب و مواد چاپی را از گردونه خارج می‌کند و شکل متحدی را به محمل‌های اطلاعاتی ارائه می‌کند که عمومیت داشته و رضایت نسبی عامه را فراهم می‌آورد.

عصر سایبرسپیس دوران گذر کتابخانه به لایبرسپیس است. در قرن بیست و یکم، سبیرنتیک و اینترنت انقلابی پویا به جهان عرضه خواهد کرد که احتمالاً لایبرنتیکس نام خواهد گرفت. در قرن بیست و یکم قبل از میلاد بود که اولین کتابخانه با مجموعه‌ای از الواح گلین در بابل پا به عرصه حیات گذاشت و فرازی در سنت متحول چهار هزار ساله ایجاد کرد و در کتابخانه‌هایی عظیم و به یادگار ماندنی عصر ما به اوج خود رسید.

این روزها کنگره بین‌المللی انجمن‌ها و موسسات کتابداری در «استانبول» در حال برگزاری است. شهری مزین به فرهنگ‌های گوناگون، در «ترکیه»، کشوری چون موزه‌ای گسترده از تمدنها.

۱. اسناد و رئیس گروه زبان و ادبیات خاور نزدیک در دانشگاه نیویورک

- عضو هیات اجرایی یونسکو

- وزیر اسبق فرهنگ ترکیه

۲. مدیرکل پژوهش‌های فرهنگی و اطلاع‌رسانی کتابخانه ملی

بابل و کتابخانه آن در فاصله‌ای نه چندان دور از مرزهای جنوبی ترکیه قد برافراشت و به اشتهار رسید.

نه تنها بابل، بلکه مصر باستان، بیت المقدس، تینوا، اسکندریه، یونان و بیزانس که مفتخر به داشتن کتابخانه‌های با شکوهی بوده‌ند بعدها جزو ملحقات قلمرو امپراتوری عثمانی گردیدند. پروگرامم و افسوس و بسیاری از شهرهای قدیمی که دارای کتابخانه‌های معظمی بودند اکنون در دل خاک ترکیه جای گرفته‌اند. ما در همین نقطه از مرکز تاریخ باستان، نظاره‌گر ظهور انقلابی هستیم که ممکن است به منسوخ شدن کتابخانه‌ها بینجامد. تصور چندان دور از ذهنی نیست که روزی صدها میلیون دانش‌آموز، متخصص، پژوهشگر بنشینند و با نظامی فراگیر و تکنولوژی پیشرفته، هر کتاب، هر مقاله، یا هر سندی را روی صفحه کامپیوتر مطالعه کنند و با فشار یک دکمه یا یک رمز هر آنچه را که طلب کنند در کمترین زمان و با جزئی‌ترین عناوین دریافت دارند. در قرن آینده، هر خانه، هر دفتر کار، یا هر فرد حقیقی، عضو فعال "کتابخانه کنگره جهانی" یا "کتابخانه بین‌المللی" خواهد بود.

کتابخانه‌های امروزی تبدیل به کعبه‌ای از آن گذشته خواهد شد و زائری بدین معبد معرفت گام نخواهد نهاد، و پروازی از صحرا به واحه روی نخواهد داد. در قرن بیست و یکم و بعد از آن کتابها به میهمانی خانه ما خواهند آمد و به گفته شاعر اسکیمو: "میهمانان گرمی بخش خانه ما هستند".

کتابخانه‌ها با تمام عظمت و شوکت خود، به صفحه‌ای کوچک تبدیل خواهند شد و ما محروم از لذت مشاهده کتاب و کتابخانه، به دریچه‌ای کوچک چشم خواهیم دوخت و این دریچه کوچک "کتابخانه مجازی" ما خواهد بود.

ما پیوسته در برابر عظمت کتابخانه‌ها کوچک بوده‌ایم، اما امروز که دانش بشر با همه عظمتش در صفحات کوچکی جای می‌گیرد، هر یک از ما خود را، همچون گالیور، غولی در برابر لیلی‌پوت‌ها حس می‌کنیم.

مطالعه در فضای بسته بدون نماد عینی کتابخانه، از طریق مجراهای باریک و ویژه، منتهی به مرکز، بر روی صفحه‌ای کم حوصله؟! اما نیازی به احساس غربت نیست چون همین فضای محدود می‌تواند وسعت عرفانی - خصوصی، غنی از منابع، گویا و حتی گسترده‌ای به وسعت افقها داشته باشد و موجب خلق شیفتگی‌ها شود.

ولی باز علتی برای اندوه باقیست. و آن، احساس از دست دادن و حسرت گذشته است. شاید دیگر در دنیای آینده جایی برای کتاب وجود نداشته باشد و سرانجام کتابها به اشیاء عتیقه،

هنردستی، باستانی و موزه‌ای تبدیل شوند. در آینده کتابهای سه بعدی به صفحه‌ای صاف تبدیل خواهند شد. و ما فرصت زیادی برای تورق کتاب نخواهیم داشت. هیچ برگه‌ای به برگه نخواهد پیوست و کتابی را نخواهد ساخت. و افسوس که ما فرصت بیشتری برای لمس کتاب، نوازش و بوسیدن آن نخواهیم داشت. کتاب این پدیده زیبا شناختی، دوست داشتنی، نوازش‌گردنی و محمل خلق عشق در لبه پرتگاه نابودی است.

ما زمان زیادی در خلوت رختخواب با کتاب نخواهیم بود، عادتی که قونیا تجربه عصمت، شرافت و عشق را به همراه داشت. آیا ما در آینده کل کتابخانه ملی را به رختخواب خواهیم برد؟ چه وقیحانه!

تحول عظیمی در شرف تکوین است و ما لذت بی‌مثال تورق کتاب را نخواهیم یافت و پری‌ها ما را به سوی قفسه‌های کتاب رهنمون نخواهند بود و کتابها کتاب‌برها را نخواهند طلبید. کامپیوترهای جدید راهنمای مطمئنی برای کتابشناسی خواهند بود اما در این ابر بزرگراهها کوره راههایی نیز وجود خواهند داشت که ممکن است ما را به گمراهی ببرند و این احساس رخ دهد که این یک بزرگراه نیست بلکه بیراهه است. ولی با وجود این دام‌ها، کارایی نظام جدید مطمئناً ما را شیفته خود خواهد کرد مگر دکمه‌ای به اشتباه فشرده شود که آنگاه کلیه اطلاعات یک کتابخانه از حافظه کامپیوتر پاک خواهد شد.

به جز مصائبی این چنین، کتابهای آینده خارق‌العاده خواهند بود. انقلاب در حال وقوع است اما اولاد و یا والدین خود را نخواهد خورد. کتابخانه‌ها از بین نخواهند رفت فقط از حال فعلی خارج خواهند شد و به صورت کتابخانه‌ای بی‌کتاب بی‌در و دیوار و سالن در خواهند آمد جهان در قرن بیست‌ویکم، نظام آموزشی و اطلاعاتی شکوهمند و جدیدی را بر پا خواهد ساخت. اما شما کتابداران شجاع، نیازی نیست که نگران باشید یا احساس ناامنی کنید. بعد از مدتها خدمت به عنوان اعضای دومین شغل شریف جهان با وجود ابر بزرگراهها زائد و یا طبقی نخواهید بود بلکه ممکن است به راهزنان یا بدگویان بزرگراه تبدیل شوید و یا هدایت‌کننده ترافیک در این ابر بزرگراه باشید.

طبیعتاً کتابخانه‌ها به عنوان میراث ملی از بین نخواهند رفت و برخی کتابخانه‌های کوچک محلی نیز وجود خواهند داشت، ولی بیشترین کتابخانه‌های ملی یا مرکزی عمده، در موزه‌ها ادغام خواهند شد و شما در آنجا به عنوان متصدی و متولی موزه کتاب خدمت خواهید کرد. با عتیقه شدن کتابها، شما در شغل عتیقه‌چی پیش خواهید رفت و با انتقال کتابها به روی دیسکها، کتابخانه‌ها نیز به دیسکوتکها تبدیل خواهند شد. برخی از شما پاورچین پاورچین در

اطراف حرکت خواهید کرد و خواهید گفت "سُس" ولی کسی متوجه شما نخواهد شد. سعی کنید همان کنید که در دیسکو تکها می‌کنند! چون کسی صدای شما را نمی‌شنود و تمام دوستان مطالعه‌کننده شما در محفظه‌های انفرادی و ساکت با یک صفحه صامت کار خواهند کرد.

افسوس که دیگر، کتابخانه‌ها در سردخانه‌ها ادامه حیات خواهند داد، سردخانه‌ای که برای آفت‌زدایی کتابها سرما هدیه خواهد کرد.

روزنامه‌ها باید دلشوره تغییر شکل خود را داشته باشند. از مدت‌ها پیش هر کسی مرگ کتابخانه را حس کرده است و این احساس در مورد مجموعه مراجع بیشتر بوده است.

ترسی واقع بینانه است از اینکه گفته شود کلیه روزنامه‌ها و مجلات روزی از بین خواهند رفت و تنها به صورت تصاویر دوره‌ای در پست الکترونیک ظاهر خواهند شد. الکترونیک مانند یک غده خطرناک است.

جهت تسلی خاطر شما، کرم کتاب جای خود را به ویروس خواهد داد و نوع جدیدی از موشها به جان کتابها خواهند افتاد. دنیای کتابخانه‌ها و پایانه‌های صامت و دیسکهای لِرزان و جوی استیک‌ها^۱ و هدرکرها^۲ در هوش مصنوعی مدهوش خواهند بود.

کتابخانه‌ها از کتاب آزاد خواهند گشت و طبق برخی نقطه‌نظرها در قرن‌های آینده نظام آموزشی به اشکال عصرانه تلویزیونی و غذای منجمد در خواهد آمد.

در یک لحظه ممکن است تصور شود که آموختن علم چیزی عبث و بیهوده است. چرا باید ما به مغزهایمان فشار بیاوریم و آن را آکنده از اشکال، اطلاعات، اندیشه‌ها و یا زبانهای خارجی بکنیم؟ چرا باید آدم مثل یک مخزن اطلاعات عمل کند؟ در حالیکه تمام چیزهایی که نیاز به دانستن آن داریم در یک راهنمای ساده وجود دارد و تنها با یادگیری چگونگی استفاده از ماشین می‌توانیم با فشار چند دکمه اطلاعات نامحدودی را به دست آوریم اصلاً چرا باید به زبانی غیر از زبان کامپیوتر حرف بزنیم؟ در حالیکه ماشین ترجمه هر گونه گفت و گو، متن و سندی را به هر زبان ترجمه می‌کند.

مزیت این ابزار فرا بازدهی به ویژه برای علوم خالص فوق‌العاده عالی است و هر کسی با اشاره یک انگشت می‌تواند به کل دانش بشری و محل استقرار آرشیوها، بانکهای اطلاعاتی و کتابخانه‌ها دست یابد. دویست و پنجاه سال پیش فردی توانست ربع کتابهای علمی فرانسه را بخواند ولی از آن زمان تاکنون حتی خواندن تمام کتابهای یک رشته خاص هم امکان‌پذیر نبوده است. ولی در قرن آینده بدون صرف وقت برای مطالعه، همه چیز برای ما قابل حصول خواهد

بود و این فراغت، امتیازی است که ما را در کسب علم الهی شرکت خواهد داد هر چند که بتوانیم ذره‌ای از علم لاتیناهی او را کسب کنیم. سپاس خدای را به خاطر دستیابی به این همه دانش، ما از صرف وقت برای کسب دانش آزاد خواهیم شد و عرصه عظیم فراغت جدید را به بهای از دست دادن لذت فکری حاصل از مطالعه به دست خواهیم آورد.

مبادا تصور شود که چنین اظهاراتی ابلهانه، یا بدبینانه، و یا بدتر از آن، منحط است. اجازه می‌خواهم به طور صریح اذعان کنم که خلاقیت، ابداع، اکتشاف و زاینده‌گی برای افرادی که پشتکار دارند همیشه باقیست و حاصل تجارب آنان به ذخایر دانش بشر فزونی خواهد بخشید. عامه مردم از همگانی شدن دانش لذت خواهند برد. تنها یک خطر جدی وجود دارد و آن اینکه احساس شود دانش همیشه در اختیار آدمی است و نیازی به کسب آن نیست. این طرز تلقی عده کثیری را برای کسب مهارت کار با کامپیوتر فقط به سوی یادگیری سواد کامپیوتری سوق خواهد داد و موجب خواهد شد که از کسب جوهر دانش در تاریکترین نقطه بی‌سوادی باقی بمانند. چنانچه این شیوه عقلایی تلقی گردد آنگاه کار با کامپیوتر نیز اکثراً به روبات‌ها واگذار خواهد شد.

ما در آستانه وقوع یک انقلاب اطلاعاتی رؤیایی هستیم. من لفظ "رؤیایی" را به طور اتفاقی یا برای مزاح به کار نمی‌برم، بلکه به واقع معنی این پدیده از تخیل فاصله گرفته و به واقعیت نزدیک می‌شود و از ابعادی است که موجب خواهد شد چند قرن آینده "عصر اطلاعات"، "عصر ارتباطات جهانی" گردد.

ما در حال بیداری هستیم: دوره‌ای را دفن می‌کنیم و در دوره‌ای دیگر که عصر خلاقیت جدید است حیات می‌یابیم.

گذشته چهار هزار ساله بشریت، فراخنای تاریخ کتابخانه‌ها در دوره‌های متواتر با قدری همپوشانی در چهار طبقه زیر قابل تقسیم و بررسی است.

● فرهنگ قبیله‌ای

فرهنگ شفاهی آنان شکل ذهنی و قابل انتقال به سایر افراد قبیله بوده است؛

● فرهنگ تصویری

اسناد دست‌نوشته در کتابخانه‌های خصوصی و بسته، جمع‌آوری و در خدمت مذهب و حکومت قرار می‌گرفت؛

● فرهنگ چاپ و نشر

چاپ و توزیع کتاب، ترویج اندیشه‌های سیاسی، ایجاد هدایت‌های ملی و افکار دموکراتیک و کتابخانه‌های عمومی از ویژگیهای بارز این دوره بوده است.

● فرهنگ دیداری و شنیداری

ارتباط از طریق رادیو، فیلم، تلویزیون، برنامه‌های ضبط‌شده و ویدئو گسترش یافته و آموزش‌های آزاد جهانی ارائه گردید.

مرحله بعدی که طبقه پنجم باشد "فرهنگ جهانی" خواهد بود. ما در آستانه ورود به آن دوره طلایی هستیم که فرهنگ انقلابی خاص خود را دارد. تکنولوژی آن، کتاب و مواد چاپی را از گردونه خارج خواهد ساخت و شکل متحدی را به محمل‌های اطلاعاتی ارائه خواهد داد که عمومیت داشته و رضایت نسبی عامه را فراهم خواهد آورد و موجب فعالیت آنان در زمان فراغت شده و زاینده‌گی را به ارمغان خواهد آورد. اما در عین بهره‌مندی از اساس آزادی سلطه‌گر و بی‌روح باقی خواهد ماند.

در عصر آینده ایدئولوژی اگر هم وجود داشته باشد بسیار سست خواهد بود. ما همواره شاهد سقوط ایدئولوژی‌های استبدادی بوده‌ایم و اکنون در دوره اضمحلالی بسر می‌بریم که ایدئولوژی دموکراسی خوانده می‌شود مانند سایر ایدئولوژی‌ها نظیر سوسیالیسم، لیبرالیسم و کاپیتالیسم. سالها پیش من برای زندگی و مرگ قانونی را به نام "قانون هالمان" ارائه دادم که به نظرم می‌رسد اکنون نیز جاری باشد:

"ایدئولوژی اغیرالهی از یک اندیشه آغاز می‌شود و در آرمان به کمال می‌رسد و به سیاق عمومی هویت می‌گیرد و سپس به ستایش منجر می‌شود و عاقبت به بلاهت خاتمه می‌یابد." شاید عدم ظهور ایدئولوژی تأسفبار نباشد و ما در آغاز عصر جدید علاقه‌ای نخواهیم داشت که بهتر از فرهنگ ویدئویی عمل کنیم که شاید مانند ایدئولوژی ویدئولوژی آن نیز به بلاهت منتهی گردد.

هر چند که سایبرسپس بسیار پویا می‌تواند میلیونها گروه انسانی را در کره زمین تحت پوشش درآورد اما تشکیل مگالاپولیس اجتماعی - اقتصادی در عصر سایبرسپس انتظار نامحدودی است. شاید تکنولوژی پیشرفته بتواند این نیاز اجتماعی را برآورده سازد.

در چند قرن گذشته فقر در جوامع روستایی شامل فقدان کتابخانه و عدم توانایی در دستیابی وسیع به فعالیت‌های فرهنگی می‌گردید.

"قانون" دیگر من - "قانون هالمان" با پسوندهای سیتی (City) صرفاً جهت سازگاری و نشان دادن موقعیت کتابخانه آمده است.

یک شهر بزرگ باید دارای خیلی چیزها باشد. برای بیان بهتر از کلماتی استفاده می‌کنم که

دارای پسوند "سیتی" هستند مانند: "intensity" electricity و غیره^۱ یک شهر بزرگ باید از ویژگیهای زیر برخوردار باشد:

- عظمت، حدت، شدت
- اثرپذیری و تغییرپذیری
- تلفیق‌کننده ترکیب و تبسیط
- تنوع - تحکم، تسرع، تکثر و تفرق
- سرزندگی و راحتی
- ذکاوت، زیرکی، کنجکاو، جسارت و غرابت
- باشکوه و گشاده دست
- دست آخر آکنده از دروغ، نیرنگ، کذب، خدعه، غارت، تطاول، انحراف، اعداجاح، سیعیت و وحشیگری.

- و بالاخره باید یک دانشگاه بزرگ داشته باشد

- هر چند که شهر نمی‌تواند بدون گرفتاری ادامه حیات دهد اما باید امکانات لازم را برای حد بالای سطح زندگی، مهارت، درخشش و هر آنچه در فوق اشاره شده است فراهم نماید.

متأسفانه در این مجموعه هیچ پسوند سیتی وجود ندارد که بتوان با آن خلاقیت هنر و کتابخانه را بیان کرد اما سایر چیزها جفت و جور است. اما چگونه یک سیتی (شهر) می‌تواند بدون کتابخانه کامل باشد؟ البته این یک گمان است چون شهر بزرگ فردانه تنها کتابخانه نخواهد

۱. زیبایی کلام نویسنده از یک طرف و اطلاع خوانندگان از ترکیب پسوندهای City از طرف دیگر موحس گردید که این قسمت از اصل مقاله عیناً در پانویس آورده شود.

"A Great City must have

- immensity, density, intensity
- both plasticity and elasticity
- must combine complexity and simplicity
- must afford diversity, tenacity, velocity, multiplicity, ethnicity
- must provide vivacity and laxity
- must show perspicacity and a propensity for sagacity, curiosity, audacity, eccentricity
- must have pomposity and generosity
- inevitably it has no paucity of mendacity, duplicity, rapacity, perversity, ferocity
- it must have at least one great university
- although it can never live without adversity, it must achieve and maintain life's utmost capacity for virtuosity, luminosity, and above all felicity."

داشت بلکه نیازی هم به آن نخواهد داشت. چون کلیه خدمات یک کتابخانه بزرگ با ارتباط فرد با بانک جهانی اطلاعات به هر میزان و در هر کجای دنیا قابل حصول خواهد بود. شاید نظام آموزشی نیز به آموزش از راه دور تبدیل گردد.

چهار کابوس مرا به شدت آزار می دهد و نشأت گرفته از متفی بودن یا تاثیر منفی عصر جدید اطلاعات است:

● کابوس شماره یک

یادگیری به سبک امروزی شیوه‌ای کهنه و منسوخ خواهد بود، چون اطلاعات مثل یک کپسول خوراکی همیشه، همه جا و بسیار آسان در اختیار آدمی قرار خواهد گرفت، در نتیجه بسیاری از فرایندهای یادگیری زاید و بیهوده تلقی خواهد شد.

● کابوس شماره دو

حکایت از جهانی شدن سایبرسپس می کند و در آن همه چیز جهانی و در شکل های همسان و هم رنگ بوده و در نهایت یکنواختی و بدشکلی را به ارمغان خواهد آورد.

● کابوس شماره سه

حاکمی از ضرورت درک سبک جدید استبداد است و ممکن است برخی دیکتاتورها یک نوع الیگارشسی را یا استفاده از قدرت سایبرسپس و با اعمال سانسور به قشر عظیمی تحمیل کنند که منجر به مظلومیت عدّه کثیری گردد.

● کابوس شماره چهار

از آنجائی که عصر جدید اطلاعات به وسیله تکنولوژی کشورهای پیشرفته سیطره خواهد یافت، جهان در یک خیال علمی و استعمار سیاسی غرق خواهد شد.

در کنار این چهار کابوس ترس مضاعفی نیز باید به آنها اضافه گردد و آن اینکه نظام گسترده اطلاعات امروزی یک برنامه سلطه جوینانه تلویزیونی را برای بیشترین کشورهای دنیا تحمیل خواهد کرد و بسیاری از تماشاگران آن در بسیاری از کشورها در مقابل بدآموزی و تخریب اخلاق، هرزگی، سگ منشی، یأس، انهدام، ترور خونریزی که از کانال های متعدد بر مردم تزریق می گردند بی دفاع خواهند بود و نظام جامع و متمرکز جهانی برنامه های خشونت بار تلویزیونی را تحت عناوین تفریح و سرگرمی بر تاروپود انسانها وارد خواهد ساخت.

بدترین ترس من آن است که سایبرسپس شکاف بزرگی را بین کشورهای صنعتی و دنیای در حال توسعه ایجاد کند و این ترس کاملاً قابل توجیه است و موقعیت ترکیه نمونه بارز این ترس است. توان اقتصادی و تخصصی و فنی آن به قدری ناکافی است که نمی توان جهشی برای

رسیدن به تکنولوژی جهان غرب را در آن ایجاد کرد. در خصوص کمبود امکانات و منابع سنتی به عنوان نمونه به "کتاب" می‌پردازیم.

بزرگترین کتابخانه ما در کتابخانه ملی، یک و نیم میلیون جلد کتاب و سایر منابع در اختیار دارد. آن را با ایالات متحده مقایسه کنید. جایی که کتابخانه کنگره دارای ۲۴ میلیون جلد کتاب، دانشگاه هاروارد ۱۳ میلیون جلد، کتابخانه عمومی نیویورک ۷ میلیون جلد، کتابخانه عمومی بوستن ۶/۵ میلیون جلد کتاب دارد. بالاخره ۲۰۰ کتابخانه آمریکا اعم از عمومی یا دانشگاهی هر کدام به تنهایی منابع بیشتری نسبت به کتابخانه ملی ما دارند.

تأسف بار است که کشورهای در حال توسعه با چنین کمبود منابع و فقر مواجه هستند. و اسف‌بارتر اینکه در کشور ترکیه سندرم مطالعه وجود. انتظار می‌رفت میزان مطالعه در کشوری با ۶۰ میلیون نفر جمعیت و ۸۰ درصد باسواد بیش از وضع فعلی باشد. گردش کل روزنامه‌ها در طول ۲۵ سال بدون تغییر باقی مانده است. در حالیکه شماره کتابفروشان افزایش یافته است. شمار عناوین انتشارات سالانه کاهش پیدا کرده است.

باید گفت که جامعه ترکیه نیاز مبرم به تشویق و ترغیب به مطالعه دارد. بیش از ۹۹ درصد از جمعیت کشور ما مسلمان هستند و پیامبر اسلام فرموده است: که اشتغال حتی یک لحظه با دانش، با کتاب، و با کتابت برتر از شصت سال عبادت است. و آتاتورک بنیانگذار جمهوری ترکیه گفته است. توسعه یک ملت در گرو علاقه آن ملت به مطالعه است، در غیر این صورت جهل توسعه یافته و از آن مصیبتی حاصل خواهد شد که فروکش نخواهد کرد.

دولت ترکیه تاکنون بیش از یک هزار کتابخانه عمومی و نزدیک به شصت دانشگاه دایر کرده است و سالانه حدود ششصد هزار فارغ‌التحصیل دارد. ولی هنوز نرخ مطالعه بسیار پایین است. شاید عصر سایبرسپس، ما و بسیاری از کشورهای در حال توسعه را نجات دهد. شاید تکنولوژی راه میان ببری باشد. به هر حال من امید فراوانی به آینده دارم.

من در خصوص انقلاب آینده چهار رؤیای خوشایند دارم.

● رؤیای شماره یک

با سواد و کارایی تمام عیار توسط تکنولوژی در سراسر جهان اشاعه خواهد یافت؛

● رؤیای شماره دو

چشم‌اندازی از انسانیت، رهایی از جهل، انگیزه توسعه عمومی و همگانی، کاهش مرگ و میر زودرس، گسترش علم و هنر در سایه اعجاز ارتباطات و از طریق نظام آموزشی که توسط سایبرسپس ابداع خواهد شد به چشم می‌خورد.

● رؤیای شماره سه

ارائه آگاهی لازم برای آحاد این عصر جهت مشارکت در تمدن بشری و دموکراسی جهانی، متانت و شایستگی ارمغان تجربه جدید جهانی از علوم و انسانیت خواهد بود.

● رؤیای شماره چهار

رؤیای شماره چهار حکایت از تجدید حیات جهان دارد که در آن همه اجتماعات و افراد از تکنولوژی و تمدن بهره‌مند خواهند بود و اطلاعات بیشتری درباره سایر ادیان، مکاتب، ارزشهای فرهنگی و روح شکیبایی و سازگاری به دست خواهند آورد و این امکان را به بهای از دست دادن اخلاق و فرهنگ خود کسب خواهند کرد، هر چند که از این برهه رنجی متوجه آنان نگردد.

آنچه من در رؤیای چهارگانه خود ارائه کرده‌ام واقعیت دارد و برای رسیدن به آن به درک صحیح و قطعی از تکنولوژی بی‌پایان نیاز است. تکنولوژی فقط یک ابزار است مانند یک بزرگراه و نه چون شهر که بتواند از خود نوری ساطع کند و هدایتگر باشد. ما باید سایبرسپس را طوری به کار بگیریم تا ما را از دوزخ جهل به بهشت نور هدایت کند.

این، پیش تلاش بزرگ ایفلا، یونسکو، سازمان ملل، تمام دانشگاه‌های دنیا، علم، فرهنگ، آموزش و پرورش و ارتباطات است.

از زمان بابل کتابداران میراث فکری جهان را حفظ کرده‌اند. و اکنون نظاره‌گر انتقال آن به چیزی هستند که من آن را لایبرسپس می‌خوانم. حال این وظیفه به عصر اطلاعات واگذار می‌گردد که با بیشش واقعی از ارائه خدمات به بشریت با عنایت به استراتژی صحیح توسعه جهانی و با آکندگی از رؤیایها و واقعیت‌ها آن را پیش ببرد. که در دو کلمه ساده "منشور کتابداری" خلاصه می‌شود.^۱

1. That in four simple word "The prism of Librarianism"